# نقش پیشگیرانه غیر‌کیفری قوه قضاییه و ضابطین دادگستری برای حمایت از منابع طبیعی در جهت جهش تولید

# دکتر امیر احمدی\*(نویسنده مسئول) 1\* ، دکتر سید اسماعیل حسینی مقدم 2

**1. استادیار، عضو هیأت علمی دانشکده‌ی الهیات و علوم اسلامی، گروه حقوق، دانشگاه پیام نور تهران، ایران** **Amir.ahmadi@pnu.ac.ir**

**2. نماینده ولی فقیه در دفتر سازمان جهاد کشاورزی استان کرمانشاه**

چكيده

با توجه به تخریب و تصرف غیرقانونی منابع‌طبیعی و ملّی به عنوان ثروت و ذخایر کشور، پیشگیری غیرکیفری توسط قوه قضاییه و ضابطین دادگستری بسیار مهم است.با عنایت به منویات و شعار سال 1399 و فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری، حمایت غیر کیفری قوه قضاییه از منابع طبیعی کشور می‌تواند یکی از اولویت‌های مورد بررسی در جهت جهش تولید باشد. لذا پژوهش حاضر با هدف نقش پیشگیرانه غیر‌کیفری قوه قضاییه و ضابطین دادگستری برای حمایت از منابع طبیعی در جهت جهش تولید **انجام گرفت.** اهمیت پرداختن به این موضوع با توجه به سرعت تخریب و تهدید علیه منابع طبیعی در ایران یکی از اولویت‌های موردبررسی در حوزه سیاست جنایی قضایی می‌تواند باشد. همچنین با توجه به بیان مقام معظم رهبری (مدظله) که بر پیشگیری در حوزه‌ی منابع طبیعی ازجمله زمین‌خواری، تخریب جنگل‌ها و نظایر آن تأکید فرمودند می‌توان به‌ضرورت و اهمیت این موضوع پی‌برد. روش گردآوری اطلاعات به‌صورت مطالعه کتابخانه‌ای می‌باشد. با توجه به بررسی ناکارآمدی‌های غیرکیفری در حوزه سیاست جنایی قضایی در عرصه منابع طبیعی می‌توان نتیجه گرفت که باید برای جهش تولید در عرصه منابع طبیعی پیشگیری غیرکیفری اجتماعی، رشد مدار و وضعی و نظیر این‌ها توسط قوه قضاییه صورت گیرد و این امور در فرهنگ مردم با برنامه دقیق نهادینه شود.

**واژه‌های کلیدی:** جهش تولید، غیر کیفری، منابع طبیعی، پیشگیری

**The non-criminal preventive role of the judiciary and judicial officers in protecting natural resources in order to boost production**

**Amir Ahmadi**\*1 , **Seyed Ismail hosinimoqadam** 2

1. Assistant Professor, Department of law, Payame noor University, Iran, PO BOX 19395-3697, Tehran, IRAN

**Corresponding Author** : Amir.Ahmadi@pnu.ac.ir

2. Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Yadegar-e-Imam Khomeini (RAH) Shahre Rey Branch, **Islamic Azad University,** Tehran, Iran.

**Abstract**

Given the destruction and illegal seizure of natural and national resources as the country's wealth and reserves, non-criminal prevention by the judiciary and judicial officers is very important. Considering the menus and slogans of 1399 and the eight-article decree of the Supreme Leader, the non-criminal protection of the judiciary from the country's natural resources can be one of the priorities under consideration in order to boost production. Therefore, the present study was conducted with the aim of preventing the non-criminal preventive role of the judiciary and judicial officers in supporting natural resources in order to boost production. The importance of addressing this issue can be one of the priorities in the field of criminal justice policy, considering the speed of destruction and threats against natural resources in Iran. Also, according to the statement of the Supreme Leader (Modzaleh) who emphasized on prevention in the field of natural resources such as land grabbing, deforestation and the like, the necessity and importance of this issue can be realized. The method of collecting information is in the form of library study. Considering the non-criminal inefficiencies in the field of criminal justice policy in the field of natural resources, it can be concluded that for the leap in production in the field of natural resources, social non-criminal prevention, growth and status and the like should be done by the judiciary.

**Keywords:** Production Mutation, Non-Criminal, Natural Resources, Prevention

**مقدمه**

1. مقدمه و بیان مسأله

یکی از حوزه‌هایی که در آن بروز رفتارهای غیرقانونی، بزهکارانه و مجرمانه در آن به‌وفور دیده می‌شود، حوزه‌ی منابع‌طبیعی است، به‌طوری‌که مقام معظم رهبری(مدظله)در فرمانی هشت ماده‌ای به تشریح زوایای آن پرداخته‌اند.

در خصوص جرائم محیط‌زیست قوانين متكثر و متعدد و در برخی موارد متضاد و متعارض وجود دارد، همين امر جريان رسيدگي به جرائم فوق را مشمول گذشت زمان بسيار زياد كرده‌است(اكبرآبادي، 1396: 94).براین‌اساس نقش پیشگیرانه غیر‌کیفری قوه قضاییه، ضابطین دادگستری و مردم برای حمایت از منابع طبیعی در جهت جهش تولید با پیروی از سیاست‌جنایی ‌قضایی و اجرایی در حوزه منابع‌طبیعی آشکار است. همچنین مشهود کردن خلاءها و نواقص و معایب و گاهی ایجاد رویه قضایی و راهکارهای حمایتی از سوی قوه‌قضاییه، خواه‌ناخواه می‌تواند سبب تحول و تغییر در حفاظت از منابع طبیعی برای جهت جهش تولید در این حوزه شود.

2. سوابق و پیشینه پژوهش

در حوزه سیاست جنایی در جرایم منابع‌طبیعی پژوهش‌های صورت گرفته‌، امّا در ‌خصوص سیاست‌جنایی پیشگیرانه ‌قضایی برای جهش تولید در حوزه منابع طبیعی پژوهشی مستقل صورت نگرفته‌است. از نوآوری‌ها و دستاورد‌های این پژوهش این است که به بررسی پیشگیری قوه قضاییه و حمایت غیرکیفری در سیاست‌جنایی ‌قضایی ایران در عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی پرداخته‌ می‌شود.

در ذیل به برخی از پژوهش‌های نزدیک به این موضوع اشاره‌می‌شود:

-اکبرآبادی، بهزاد،(1396). ناکارآمدی سیاست‌جنایی ایران در برخورد با جرائم منابع‌طبیعی، تهران: انتشارات آوا.

-عباسی، روح‌الله، (1395)، بررسی ناکارآمدی سیاست‌جنایی ایران در صیانت از اراضی ملّی»، مقاله اولین همایش بین­المللی و مخاطرات طبیعی و بحران­های زیست‌محیطی ایران، راهکارها و چالش­ها.

3. اهمیت و ضرورت پژوهش

با توجه قطع درختان در جنگل‌ها، تخریب و تصرّف منابع‌طبیعی و اراضی ملّی و زمین‌خواری و همین‌طور خسارت به منابع‌طبیعی با عنایت به بیانات مقام معظم رهبری(مدظله) در پیشگیری و حمایت از جرایم حوزه منابع طبیعی، پیشگیری غیرکیفری، حمایت مردم و حمایت ضابطین دادگستری احساس می‌شود و به ضرورت و اهمیت پژوهش می‌افزاد.

4. اهداف پژوهش

در این پژوهش با شناخت قوانین و مقررّات و همچنین نقش و جایگاه حمایتی قضایی قوه‌قضاییه راه‌های پیشگیری غیرکیفری بیان می‌شود. هدف کلی این پژوهش شناخت جایگاه و نقش حمایتی قوه‌قضاییه و ضابطین و مردم در حمایت از منابع‌طبیعی یا ملّی با استناد به غیرکیفری برای افزایش و جهش تولید می‌باشد.

6. سؤال‌ پژوهش

سیاست‌جنایی غیرکیفری قوه قضاییه و ضابطین دادگستری در حوزه‌ی حمایت از منابع‌طبیعی و ملّی چگونه ارزیابی و تحلیل می‌شود؟

**7.** مفاهیم پژوهش

‌‌در این بحث ابتدا مفهوم منابع ملّی و جهش تولید بیان گردیده و پس‌ازآن به بررسی نقش پیشگیرانه مردم، ضابطین دادگستری و قوه قضاییه در جهت جهش تولید خواهیم پرداخت.

1.7. **مفهوم منابع‌طبیعی یا ملّی**

‌‌در قوانین مصوب کشور به منابع ملّی یا طبیعی اشاره‌شده است. لذا برای شناختن منابع ملّی و یا طبیعی با رجوع به اصل 45 قانون‌اساسی دیده‌می‌شود که بیشه‌ها، مراتع و جنگل‌ها جز منابع ملّی و انفال محسوب می‌گردند و در اختیار دولت و جز اموال‌عمومی هستند. در روایات معصومین(ع) مراتع و جنگل‌ها جز انفال می‎‌باشند(اسدی، 1419،ج9 :188، مسئله 110؛ كليني رازي، 1388، ج1: 542)، امّا امروزه منابع ملّی یا طبیعی شامل تمام منابعی که به‌صورت طبیعی وجود دارد و دست انسان در ساختن و پیدایش آن نقش نداشته نیز می‌شود (شمس، 1394 :30).

در شناسایی منابع ملّی یا طبیعی به‌موجب ماده1 قانون ملّی‌شدن جنگل‌ها مصوّب1341 و تصویب‌نامه‌ی آن و در قانون‌ حفاظت‌ و بهره‌برداري‌ از جنگل‌ها و مراتع‌ با اصلاحات‌ بعدي آن مصوب1346جنگل‌، کلیه عرصه جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی و اراضی ملّی شده کشور جزء اموال‌عمومی و منابع ملّی محسوب می‌شوند. اموال‌عمومی نیز حسب تعریف اموالی هستند که برای استفاده مستقیم تمام مردم آماده‌اند، یا به حفظ مصالح عمومی اختصاص داده شده‌است (كاتوزيان، 1375 :65). همچنین در شناسایی منابع ملِّی در ماده56 قانون‌ حفاظت‌ و بهره‌برداري‌ از جنگل‌ها و مراتع‌ با اصلاحات‌ بعدي آن مصوب1346و در ماده20 آیین‌نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب 1342، تشخیص منابع ملّی یا طبیعی را بر عهده‌ی وزارت منابع‌طبیعی(وزارت جهاد سازندگی) که امروزه سازمان منابع‌طبیعی و آبخیزداری نام دارد. سپس هیأت‌وزیران در جلسه مورخ16/12/1371بنا به پیشنهاد مورخ 28/10/1371 وزارت جهاد سازندگی و به استناد ماده 2و3 قانون حفظ و حمایت از منابع‌طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوّب1371، آیین‌نامه اجرایی ماده 2 قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند و در ماده 1 این آیین‌نامه اجرایی آمده‌است که تشخیص منابع ملّی شده و مستثنیات ماده 2 قانون ملّی‌شدن جنگل‌ها بر اساس تعریف تصریح‌شده در فصل اول قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع به عهده وزارت جهاد سازندگی است که از طریق سازمان جنگل‌ها و مراتع کشور اقدام می‌نماید. لازم به ذکر است، هیأت‌عمومی دیوان‌عالی کشور در جهت حمایت قضایی و با توجه به وظیفه‌ی ذاتی خود در رأی وحدت رویه‌ی[[1]](#footnote-1)(681) عدم صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران را نافی مالکیت دولت نسبت به منابع‌طبیعی یا ملّی شده نخواهد بود(باختر، 1387: 100؛ عباسی، 1395: 6).

باتوجه به‌صراحت قوانین یادشده، رأی وحدت رویه و همچنین تصویب‌نامه هیأت‌وزیران که به آن اشاره‌شد می‌توان گفت که منظور از منابع ملّی، جنگل‌ها و مراتع و بیشه‌های طبیعی و اراضی جنگلی که به‌صورت عام و جزء اموال‌عمومی و در تصرّف حکومت اسلامی می‌باشد و از سرمایه‌ها و منابع ملّی و طبیعی محسوب‌می‌گردند.

ازجمله قوانینی که به اراضی ملّی شده پرداخته‌است آیین‌نامه اجرایی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیاء اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوّب 31/2/1359 شورای انقلاب است. در ماده 1 آیین‌نامه فوق در مقام تعریف انواع اراضی زیر عنوان «اراضی منابع‌طبیعی» که برای اولین بار در این قانون دیده شده‌است به بیان تعاریف جنگل‌ها یا بیشه طبیعی، مراتع، نهالستان‌ها و اراضی جنگلی می‌پردازد (شمس، 1394: 30). همچنین در ماده 56 قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوّب 1346 و ماده 4 آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و حمایت از منابع‌طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوّب 16/12/1371 از عبارت منابع ملّی استفاده شده‌است.

با توجه به‌صراحت قوانین در شناسایی منابع ملّی یا طبیعی در اینجا می‌توان گفت منظور از منابع ملّی یا طبیعی، جنگل‌ها، مراتع، رود‌ها، بیشه‌زارها، کوه‌ها و نظایر آن‌ها می‌باشد که در فوق به آن‌ها اشاره شد.

2.7**. مصادیق منابع‌طبیعی**

با رجوع به تصویب­نامه هیأت‌وزیران راجع ­به جنگل‌ها مصوب 1303، لایحه قانونی جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب 1338، ماده 1 قانون ملّی‌شدن جنگل‌ها مصوّب 1341، قانون‌ حفاظت‌ و بهره‌برداري‌ از جنگل‌ها و مراتع‌ با اصلاحات‌ بعدي آن مصوب1346، قانون حفظ و حمایت از منابع‌طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوّب 1371، قانون توزیع عادلانه آب مصوب 1361 و طبق قانون اراضی ساحلی مصوب 1346 و سایر قوانین موضوعه و مصوبات هیأت‌وزیران می‌توان به مصادیق منابع ملّی یا طبیعی آگاهی یافت. بنابراین همان‌گونه که ملاحظه می‌شود مصادیق منابع‌طبیعی را صرفاً با دقت در سیر قانون‌گذاری می­توان تعیین و احصاء نمود و قانون‌گذار آن را در یک قانون احصاء ننموده‌است.

به‌موجب قوانین مصوب ازجملهقانون‌ حفاظت‌ و بهره‌برداري‌ از جنگل‌ها و مراتع‌ با اصلاحات‌ بعدي آن مصوب1346 و سایر قوانین اشاره‌شده می‌توان مصادیقی از منابع ملّی یا طبیعی را مانند **جنگل‌ها و اراضی جنگلی[[2]](#footnote-2)، مرتع یا بیشه‌ی طبیعی مشجر و غیر مشجر[[3]](#footnote-3)، سواحل دریایی، بستر روده‌ها** و نظایر این‌ها را نام برد. اخیراً نیز به‌موجب مصوبه مورخه 14/01/1391 مجلس شورای اسلامی(لایحه‌ جامع منابع‌طبیعی و آبخیزداری کشور، مواد۲ و۳) منابع‌طبیعی عبارت است از همه عرصه و اعیان جنگل‌ها، مراتع، اراضی جنگلی، بیشه‌های طبیعی، چمن‌زارها، بوته‌زارها، نیزارها، مرداب‌ها، تالاب‌ها، اراضی مستحدث، اراضی ساحلی، اراضی خالصه، اراضی موات، اراضی دولتی، اراضی بیابانی و کوهستانی، شنزارها، کویرها، منابع خاک، بستر دریاها، دریاچه‌ها، خلیج‌ها، جزایر، آبراهه‌ها، جنگل‌های دست‌کاشت، پارک‌های جنگلی، پارک‌های آبخیز، نهالستان‌ها و ایستگاه‌های تولید بذر و نهال، ذخایر ژنتیکی عمومی، زیست‌بوم‌های طبیعی و اجزای آن، جنگل‌ها و مراتعی که در اجرای وظایف سازمان برای احیا، اصلاح و تبدیل منابع ایجاد می‌شود و سایر منابع مشابه که توسط وزارت جهاد کشاورزی و سازمان‌ها و واحدهای تابعه ایجادشده یا می‌شود(علی بیگی، 1397: 78). بنابراین همان‌طور که گفتیم مصادیق را با رجوع به قوانین مدونه‌ی کشور می‌توان مشخص کرد، هرچند تعیین مصادیق بحث اصلی پژوهش نیست.

3.7**. جهش تولید**

هر سال رهبر معظم انقلاب، با توجه به شرایط کلی حاکم بر کشور نامی را برای برنامه ریزی‌های مسئولان و مردم انتخاب می‌نماید. [رهبر انقلاب](https://www.tabnak.ir/fa/news/967005/%D8%B3%D8%A7%D9%84-%DB%B1%DB%B3%DB%B9%DB%B9-%D8%B3%D8%A7%D9%84-%D8%AC%D9%87%D8%B4-%D8%AA%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AF-%D9%86%D8%A7%D9%85%DA%AF%D8%B0%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B4%D8%AF-%D8%B1%D9%87%D8%A8%D8%B1-%D8%A7%D9%86%D9%82%D9%84%D8%A7%D8%A8-%D8%AC%D9%87%D8%B4-%D8%AA%D9%88%D9%84%DB%8C%D8%AF-%D8%A8%D8%A7%DB%8C%D8%AF-%D8%AA%D8%BA%DB%8C%DB%8C%D8%B1-%D9%85%D8%AD%D8%B3%D9%88%D8%B3-%D8%AF%D8%B1-%D8%B2%D9%86%D8%AF%DA%AF%DB%8C-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85-%D8%A7%DB%8C%D8%AC%D8%A7%D8%AF-%DA%A9%D9%86%D8%AF-%D9%81%D8%AF%D8%A7%DA%A9%D8%A7%D8%B1%DB%8C%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%B1%D8%AF%D9%85-%D8%AF%D8%B1-%D9%82%D8%B6%DB%8C%D9%87-%DA%A9%D8%B1%D9%88%D9%86%D8%A7-%D9%81%D8%B6%D8%A7%D8%A6%D9%84-%D9%85%D9%84%D8%AA-%D8%A7%DB%8C%D8%B1%D8%A7%D9%86-%D8%B1%D8%A7-%D9%86%D8%B4%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D8%A7%D8%AF) در پیامی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۹ هجری شمسی، ضمن تبریک سال نو و ضمن تأکید بر ضرورت توجه مردم و مسئولان بر مسئله تولید، سال جدید را با نام سال جهش تولید نامگذاری کردند.

**8. جهش تولید و پیشگیرانه غیرکیفری قوه قضاییه و ضابطین قضایی در حمایت از منابع طبیعی**

#### 1.8. تکالیف قوه قضاییه در پیشگیری اجتماع مدار در حمایت از منابع طبیعی

برخی معتقدند که قوه قضاییه دارای ماهیتی قهرآمیز دانسته و درزمینه‌ی پیشگیری چندان مؤثر نمی‌باشد، در مقابل برخی معتقدند که قوه قضاییه می‌تواند پیشگیری از جرم را عهده‌‌دار باشد، زیرا با وقوع جرم حاکم شرع وظیفه‌ی مداخله دارد و بدون متوسل شدن به قوه مجریه و نیروی انتظامی و سایر نهادها می‌تواند پیشگیری از جرم نماید (نیازپور، 1391، ص 200). امّا باید اذغان داشت، قوه قضاییه به‌عنوان قوه‌ای مستقل و پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی بر اساس بند 5 اصل 156 قانون اساسی، عهده‌دار اقدامات مناسب برای پیشگیری از جرم و اصلاح مجرمین می‌باشد. لذا، می‌توان گفت که این بند ماهیت فرهنگی و اطلاع عمومی توجه شده‌است و پیشگیری از وقوع جرم در حوزه منابع طبیعی نیز جزء وظایف ذاتی این قوه است. همچنین نباید دچار این شبهه و اشتباه شد که بند 5 ماهیت و مبنای حقوقی و قضایی دارد و باید به موضوع و وجه میان‌رشته‌ای بودن آن در تمام علوم به‌خصوص در بُعد فرهنگی، اجتماعی و روان‌شناسی آن توجه کرد و آن را وسعت داد. افزون بر این، پیشگیری از جرم به‌خصوص در حوزه منابع طبیعی وظیفه هر ایرانی است، و هر شخصی می‌تواند به‌عنوان شهروند جرائم تخریب و تصرّف اراضی ملّی و منابع طبیعی را به محاکم قضایی برای پیشگیری از جرم گزارش نماید.

چنانچه در تبصره‌ی ماده 211 قانون برنامه پنجم توسعه کلیه دستگاه‌ها را ضابط قوه قضاییه می‌داند و مکلف شده‌اند که در صورت درخواست قوه قضاییه زیر نظر این قوه آموزش‌های تخصصی را فرابگیرند و نیز دربند «د» ماده 211 برای اصلاح رفتار قضایی و حقوقی مردم ترویج فرهنگ قانون‌مداری و پیشگیری از جرم به‌عنوان راهکار ارائه شده‌است. افزون بر این موارد، آموزش همگانی بر طبق برنامه مصوب قوه قضاییه از طریق صداوسیما و آموزش همگانی حقوق شهروندی درزمینه‌ی محیط‌زیست ازجمله منابع طبیعی از طریق صداوسیما و پيش‌بيني مواد آموزشی درسي لازم براي آموزش‌هاي مذکور در دوره‌هاي راهنمايي تحصيلي و متوسطه از وظایف و اقدامات هست که این قوه باید انجام دهد. لذا بر اساس تبصره ماده 211 قانون فوق سازمان صداوسیمای جمهوري اسلامي ايران مکلف می‌باشد برای فرهنگ‌سازی همگانی از طریق رسانه در خصوص آسیب‌ها و موارد پیشگیری از جرم در حمایت از عرصه‌ی منابع طبیعی با همکاری قوه‌قضاییه و دستگاه‌های ذی‌ربط مانند سازمان منابع طبیعی و سازمان محیط‌زیست، اطلاع‌رسانی کافی و لازم را بنماید. مثلاً با تهیه برنامه‌های آموزشی علمی و جذاب و با پخش در زمان مناسب، مضرات و معایب چرای بی‌رویه‌ دام در مراتع و قطع بی‌رویه درختان را گوش‌زد و اطلاع‌رسانی کرد.

شایان‌ذکر است که بر اساس بند «ه‍» ماده 211 قانون برنامه پنجم کشور، نیروی انتظامی، سازمان بسیج مستضعفین، نهادها و مؤسسات عمومی غیردولتی نظیر جمعیت هلال‌احمر و شهرداری‌ها در چهارچوب وظایف محوله‌ی خود همکاری لازم را باید در اجرای برنامه‌های پیشگیری از وقوع جرم، با قوه قضاییه به عمل‌آورند. لازم به ذکر است که دربند «د» ماده 33 قانون برنامه ششم توسعه کشور توليد و پخش برنامه‌هاي آموزشي، ترويجي منطبق با بهره‌وري و انتقال‌یافته‌های علمي به بهره‌برداران، برای حمایت از محيط‌زيست و منابع طبيعي کشور با تأمين مالي وزارت جهاد كشاورزي توسط سازمان صداوسیما از وظایف دولت می‌باشد.

دادستان در جامعه به‌عنوان مدعی‌العموم می‌تواند در کاهش جرائم منابع طبیعی با برنامه‌ریزی و تدابیر قضایی در کاهش و پیشگیری از جرائم نقش بسزای داشته باشد. همچنین دادستان با توجه به نقش قانونی خود در پیشگیری از جرم در، ستاد پیشگیری و حفاظت اجتماعی، شورای عالی پیشگیری از جرم، ستاد پیشگیری و مبارزه با جرائم خاص و نیز شورای حفظ حقوق بیت‌المال در امور اراضی عضویت دارد و در حمایت از منابع ملّی می‌تواند نقش پیشگیرانه‌ای با توجه به وظایف قانونی خود ایفا نماید(گلدوست جویباري، 1388، ص 211-217). لذا باتربیت و آموزش ضابطین و نیز ترویج فرهنگ حمایت از منابع طبیعی در کارگروه‌ها و جامعه می‌تواند از جرائم حوزه منابع طبیعی تا حدود زیادی بکاهد.

 افزون بر موارد فوق، محققان به واگذاری بازپروری بزه‌کارن به قوه قضاییه اشاره دارد و معتقدند که اصلاح، بازپروری و درمان و بازگشت او به جامعه در آموزه‌های حقوق بشری و جرم‌شناسی ریشه دارد و طبق قانون اساسی از وظایف دستگاه قضا می‌باشد (نیازی پور، 1391، ص210)، با توجه به این توضیح در حوزه حمایت قضایی از منابع طبیعی محاکم می‌توانند محکومین جرائم حوزه منابع طبیعی را آموزش دهند و آن‌ها را در جهت خدمات عمومی رایگان مانند کشت نهال و آبیاری آن‌ها سوق دهند و در جهت آن در رسانه‌های جمعی تبلیغ مناسب و آموزنده نمایند تا تأثیر آن بر جامعه افزون شود.

## 2.8. تکالیف قوه قضاییه در پیشگیری وضعی موقعیت‌مدار

در کنار پیشگیري کیفري یا واکنشی، اقداماتی نیز ازلحاظ پیشگیري کنشی یا غیرکیفری در تقابل با پدیده زمین‌خواری و تصرّف و تخریب منابع طبیعی باید صورت پذیرد. مهم‌ترین اقدام پیشگیرانه در این زمینه اجراي کامل طرح کاداستر و سامانه جامع ثبتی است. قانون اجراي طرح مذکور اخیراً تصویب و ابلاغ گردیده است و اداره ثبت و دولت باید اهتمام جدي درزمینه‌ی اجراي آن داشته باشد. از موارد دیگر می‌توان به اصلاح شیوه محافظت از اراضی ملّی اشاره نمود که طی آن سازمان‌های متولی امور اراضی ملّی و دولتی، با تعیین حدود و علامت‌گذاري اراضی ملّی و نظارت بیشتر جهت جلوگیري از تصرّف‌های غیرقانونی و ساخت‌وسازهای غیرمجاز می‌توانند نقش به سزایی در پیشگیري از این پدیده داشته باشند(میرمحمد صادقی و رجبعلی، 1396، ص74).

در برخی مناطق مرز میان اراضی ملّی و مستثنیات قانونی با ترسیم نقشه مشخص می‌گردد ولی عملاً در برخی از اراضی ملّی مرز میان اشخاص و منابع طبیعی که متعلق به دولت است مشخص نیست و مورد تهدید خطر تجاوز و تصرّف افراد می‌باشد.

بر همین اساس وفق قسمت دوم تبصره ماده 211 قانون برنامه توسعه پنجم کشور، قوه قضاییه با تدابیری وضعی سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور را به‌عنوان زیرمجموعه‌ی خود مکلف کرده‌است که برای کاهش جرائم ثبتی و کاهش رجوع پرونده‌های مرتبط با اسناد در محاکم قضایی، اسناد مالکیت قدیمی را تعویض نماید. لذا اسناد مالکیت دولت مربوط به اراضی ملّی و منابع طبیعی را نیز می‌تواند در برگیرد. همچنین براساس تبصره بند «ح» ماده 211 وزارت جهاد کشاورزی، مسکن و شهرسازی و سازمان اوقاف و امور خیریه مکلف به همکاری برای تهیه نقشه‌ی املاک خود براساس استاندارد حدنگاری(کاداستر) می‌باشند. به‌علاوه، این اعمال خود از وظایف قوه‌ قضاییه شمرده می‌شود، که از طریق سازمان ثبت‌اسناد و املاک، شناسایی اراضی ملّی و منابع طبیعی قابل‌پیگیری است که می‌تواند به‌عنوان پیشگیری وضعی موقعیت مدار تا حد قابل چشم‌گیری از جرائم تصرّف و تخریب عرصه منابع طبیعی بکاهد. ازاین‌رو سنتی بودن شیوه‌ی ثبت‌اسناد و املاک، در حوزه منابع طبیعی خود از عوامل جرم‌زا درزمینه‌ی زمین‌خواری و تصرّف منابع طبیعی می‌باشد.

باید افزود که در قسمت 2 بند «ک» ماده 211 «استفاده از فناوری اطلاعات برای تعیین وقت رسیدگی به پرونده‌ها با اعمال وقت فوری و خارج از نوبت به‌طور خودکار» به قوه قضاییه محول شده‌است. لذا، با توجه به اینکه پرونده‌های جرائم عرصه منابع طبیعی بسیار حساس می‌باشد و رسیدگی خارج از نوبت در شعب ویژه دادگستری در ماده 690 قانون مجازات اسلامی(کتاب تعزیرات) و نیز سایر قوانین مربوطه که قبلاً به آن‌ها اشاره شد، پیش‌بینی‌شده‌ و امید است با پیشرفت مداوم، استفاده از فناوری اطلاعات برای تعیین وقت رسیدگی به پرونده‌های جرائم عرصه‌ی منابع طبیعی به‌صورت خارج از نوبت و در شعب ویژه و تخصصی با سرعت عمل بالا انجام پذیرد. این امر باعث می‌شود که برای حمایت از منابع طبیعی و ملّی زمینه‌های سایر جرائم در این حوزه کاسته شود و قوه قضاییه به وظیفه‌ی خود به نحوه احسن عمل نماید. به‌این‌ترتیب، با توجه به بند 5 اصل 156 قانون اساسی و ماده 211 قانون برنامه پنجم توسعه در جهت اجرای و عملیاتی شدن کاهش و پیشگیری از جرائم توسط دستگاه قضایی مورد انتظار است.

افزون بر موارد فوق ایجاد سامانه جامع آماری در حمایت از منابع ملّی و طبیعی با به‌روز کردن نقشه‌ها و عکس‌های هوایی لازم به نظر می‌رسد تا در صورت نیاز محاکم قضایی به آن‌ها رجوع نمایند و عدالت را باسیاست جنایی قضایی مناسب اعمال نمایند.

## 3.8. کنترل و مراقبت و نظارت از منابع طبیعی توسط دادستان و ضابطین دادگستری

حفاظت فیزیکی نامناسب توسط ضابطین یا یگان‌حفاظت از منابع طبیعی نسبت به اراضی ملّی به دلیل گستردگی و وسعت آن‌یکی دیگر از چالش‌‌های عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی می‌باشد. ازاین‌رو نمی‌توان از همه منابع طبیعی با حضور فیزیکی با این وسعت جغرافیایی حفاظت و حمایت نمود، لذا قوه‌قضاییه و سازمان منابع طبیعی با برنامه‌ای مدون و تخصیص بودجه برای پیشگیری از جرم در این حوزه بسته به حساسیت منطقه، بعضی از اراضی که مستعد تصرّف، تخریب و تجاوز هستند را مراقبت، کنترل و حفاظت نماید.

دادستان هر شهر وظیفه تعقیب و رسیدگی به جرائم علیه اموال، اراضی و املاك عمومی و دولتی را برعهده دارد. بنابراین، جهت جلوگیري از وقوع چنین جرائمی دادستان می‌توان راهکارهای مناسب و ضروري را پیشنهاد نموده و به مرحله‌ی اجرا گذارد. شکی نیست که مراقبت از جنگل‌ها، مراتع، و حفظ محیط‌زیست از وظایف ارگان‌های ذی‌ربط می‌باشد، لیکن دادستان در جهت پیشگیري از جرائم علیه جنگل‌ها و مراتع و محیط‌زیست می‌تواند راه‌حل‌های وضعی و عملیاتی پیشنهاد کند و آن‌ها‌ را به مرحله‌ی اجرا درآورد. به‌عنوان‌مثال دادستان می‌تواند پیشنهاد کند جهت حفظ جنگل‌ها و مراتع کشور همانند گذشته گارد ویژه تشکیل گردد. بدیهی است نیروي انتظامی با توجه به گستردگی وظایفش می‌تواند به‌خوبی از عهده‌ی این کار برآید و توان و نیروي کافی را براي انجام این وظیفه ندارد. بنابراین، جهت پیشگیري از ارتکاب جرائم علیه جنگ‌ها و مراتع کشور نیاز به نیروي ثابت و کارآمد می‌باشد که البته قانونگذار باید با تصویب قانون در مسیر تحقق آن گام بردارد و تا آن زمان دادستان می‌تواند از سایر ضابطین مانند بسیج و نیروي انتظامی در نقاطی از کشور که احتمال وقوع این دسته از جرائم بیشتر است مأموریت دهد تا از ارتکاب آن‌ها پیشگیري کنند(گلدوست جویباري، 1393، ص219-220).

شایان‌ذکر است که در این راستا قانونگذار در قسمت 2 بند «ج» ماده 211 قانون برنامه پنجم توسعه کشور در «تدوین طرح تخصصی کردن ضابطین قوه قضاییه در راستای آموزش و توانمندسازی و آموزش تخصصی آن‌ها» مکلف شده‌است. بنابراین با گسترش جمعیت یگان‌حفاظت و آموزش‌های تخصصی و علمی آن‌ها دستگاه قضا می‌تواند در جهت مهار و کنترل بزه در حمایت از منابع طبیعی برآید. به‌این‌ترتیب، قوه قضاییه مکلف به تربیت نیروی ضابطین دادگستری متخصص شده‌است تا در راستای حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و اراضی ملّی گام بردارند و دوشادوش دستگاه قضا انجام‌وظیفه نمایند تا زمینه‌ی اجرای درست سیاست‌های جنایی قضایی مهیا شود. ازاین‌رو به‌موجب بند «ب» ماده 3 قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ریاست و نظارت و حتی تعلیم ضابطین دادگستری از حیث وظایف محوله با دادستان می‌باشد. همچنین برای حفاظت از منابع طبیعی در ماده 22 قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع، در صورت لزوم و نیاز سازماني به نام گارد مسلح جنگل در سازمان منابع طبیعی و آبخیزداری از افسران و درجه‌داران و افراد ارتش تشكيل مي‌شود که این مهم به نظر امروز به سایر نیروهای نظامی ازجمله سپاه پاسداران قابل‌تعمیم می‌باشد.

در خصوص نظارت بر منابع طبیعی در قانون حفاظت از جنگل‌ها و مراتع کشور در ماده 45 درصدد پیشگیری وضعی برآمده است و اشعار می‌دارد که آتش‌زدن نباتات در مزارع و باغ‌ها داخل یا مجاور جنگل‌ها بدون اجازه و نظارت مأموران جنگلبانی(یگان‌حفاظت) ممنوع است و اگر حریق در اثر بی‌مبالاتی باشد مستوجب حبس خواهد بود. ازاین‌رو مأمورین یگان حفاظت از منابع طبیعی با نظارت خود می‌توانند نقش پیشگیرانه‌ای در بروز بزه در این خصوص را ایفا نمایند.

شایان‌ذکر است که یکی از معاونت‌های تخصصی در پلیس آگاهی نیروی انتظامی، معاونت مبارزه با جرائم اقتصادی است که وظیفه کشف جرائم اقتصادی ازجمله زمین‌خواری در قالب کلاهبرداری و جعل و غیره را دارد(مقيمي و باياري، 1389، ص 115)، این پلیس می‌تواند با همکاری اداره منابع طبیعی جرائم حوزه زمین‌خواری در عرصه منابع طبیعی را رصد نماید و گزارش کار را به مقام قضایی ارائه نماید تا مقام قضایی با اعمال سیاست جنایی قضایی صحیح و مناسب و صدور دستور قضایی توسط ‌این پلیس در راستای جلوگیری و پیشگیری از جرم اقدام نماید.

برخی محققان به آمارها و اطلاعات پرونده‌های تشکیل‌شده در حوزه‌ی زمین‌خواری در نیروی انتظامی اشاره می‌کنند و عواملی را بسترساز وقوع این جرم می‌داند، ازجمله این عوامل 1. موجود نبودن سيستم يكپارچه و جامع اطلاعات ثبت‌اسناد و املاك در كشور 2. قابل‌توجه بودن منافع حاصل از ارتكاب جرم مذكور3. ضعف عملكرد دستگاه‌هاي نظارتي و عدم سرعت و قاطعيت در برخورد با متخلفان و مجرمان (همان، 1389، ص 116)، همچنین موانعی را برای مبازره با زمین‌خواری در منابع طبیعی بیان می‌دارند که می‌توان به این موارد اشاره کرد:1. عدم وجود تعامل لازم بين دستگاه‌های متولي زمين و مبارزه با زمین‌خواری2. عدم وجود نقشه جامع از زمین‌های كشور3. عدم وجود بانك اطلاعاتي يكپارچه و مرتبط با زمين 4. وجود قوانين متعدد و گاه معارض با يكديگر و عدم بازدارنگي مجازات‌های تعیین‌شده فعلی5. پيشبرد طرح كاداستر و نهايي كردن آن 5. عدم وجود سازمان مشخص و متولي مبارزه با زمین‌خواری 6. عدم صدور سند قطعي املاك دولتي(مقيمي و باياري، 1389، ص 121).

با توجه به مطالعه و بررسی عوامل بسترساز جرم و بررسی موانع و چالش‌های زمین‌خواری می‌توان گفت که با حذف هر یک این عوامل و موانع و تصحیح آن می‌توان از وقوع جرم در عرصه‌ی منابع ملّی و طبیعی جلوگیری و پیشگیری وضعی نمود و این امر برای اعمال سیاست جنایی قضایی مناسب و کارآمد جز با همکاری سازمان منابع طبیعی، ضابطین و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط با قوه قضاییه میسر نخواهد بود.

آنچه مسلم است، اعمال هریک از روش‌ها به‌تنهایی نمی‌تواند موجب پیشگیری قطعی بزهکاری شود. هرچند ممکن است به‌طور مقطعی یا موضعی مؤثر باشد. بنابراین مهم‌ترین سازوکار در مقوله‌ی پیشگیری از وقوع جرم، استفاده‌ی تلفیقی از انواع روش‌های پیشگیری خواهد بود (نجفی‌توانا، 1394، ص 66). شاید این مدل‌های پیشگیری به‌طور مطلق جرائم حوزه منابع طبیعی را کاهش ندهد امّا با اجرای صحیح و کارآمد تا حدی زیادی می‌توانند از بروز جرائم و تخریب و تصرّف منابع طبیعی و قطع و آتش زدن بی‌رویه درختان بکاهد بحث در این خصوص نیازمند یک پژوهش جداگانه است**.**

#### 9. نقش سازمان‌های مردم‌نهاد بر اِعمال سیاست جنایی قضایی در حمایت از منابع طبیعی

برخی معتقدند سازما‌ن‌های غیردولتی و مردم‌نهاد(سمن)[[4]](#footnote-4) از دو طریق می‌تواند به‌نظام عدالت کیفری در جهت رسیدن به اهدافشان کمک کند. از یک‌سو، با اعلام گزارش جرائم به کشف و تعقیب جرائم و از طرفی با نقش‌آفرینی در فرآیند کیفری به مجرمان و بزه‌دیدگان کمک می‌نماید (کوشکی، 1388، ص102).

دراین‌بین سازمان‌های غیردولتی با همکاری نهاد‌ها و مراکز آموزشی مانند مدرسه و دانشگاه‌ها و با همکاری قوه‌قضاییه و در کنار آن معاونت پیشگیری از جرم با حساس کردن موضوع منابع طبیعی در افکار عمومی و تبلیغات و اطلاع‌رسانی، نقش بسزای در حمایت از منابع طبیعی و اراضی ملّی می‌تواند ایفا نماید. همچنین با توجه به اصل هشتم قانون اساسی، دعوت به امر خیر، امربه‌معروف و نهی از منکر وظیفه‌ی همگانی است، لذا به‌عنوان نمونه می‌توانند به کاهش جمعیت درختان و مضرات تخریب مراتع و جنگل‌ها هشدار دهند تا در جهت تنویر افکار عمومی و جامعه برآیند. به‌این‌ترتیب، در این خصوص می‌توان توسط نهادهای دولتی و غیردولتی با کمک معاونت پیشگیری از جرم قوه قضاییه و نیروی‌های ضابط درباره‌ی پیشگیری از جرائم منابع طبیعی هم‌اندیشی و همایش برگزار کرد. همچنین این معاونت می‌تواند با ترویج فرهنگ سیانت و حمایت از منابع طبیعی از طریق نهادهای مردم‌نهاد و به اشتراک گذاشتن دانش و اطلاعات فنی و علمی و مشارکت در اطلاع‌رسانی نماید و حمایت و حفاظت از منابع طبیعی را وظیفه‌ همگانی اعلام کند. هراندازه بستر فرهنگی و اجتماعی پیشگیری از تصرّف و تخریب منابع طبیعی و اراضی ملّی توسط این نهادها مهیا باشد، سیاست جنایی قضایی و عدالت کیفری با شتاب و سرعت کیفی به اهداف خود می‌رسد.

بدین ترتیب به‌منظور حمایت و حفاظت از منابع طبیعی برای آیندگان، نیازمند ایجاد نهادهای مردمی جهت کامل کردن سیاست‌های قضایی می‌باشیم. جدیدترین حمایت و توجه ویژه قانونگذار، در عرصه‌ی منابع طبیعی و زیست‌محیطی در ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392 نمایان است. این ماده متأثر از یافته‌های جرم‌شناسی و سیاست جنایی قضایی و مشارکتی بر محور جامعه مداری و مداخله مردم در برابر جرائم منابع طبیعی و اراضی ملّی می‌باشد. بر این اساس ماده 66 قانون مارالذکر به حمایت از سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه‌ی آن‌ها در حوزه حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و محیط‌زیست است، می‌پردازد. این ماده اشعار می‌دارد، کسانی که عضو این سازمان‌های مردم‌نهاد هستند می‌توانند در جهت سرعت بخشی به سیاست جنایی قضایی محاکم، در صورت ارتکاب جرم درزمینه‌ی منابع طبیعی می‌توانند اعلام‌جرم نمایند و در تمام مراحل دادرسی نیز شرکت کنند و محاکمات موضوع ماده فوق علنی می‌باشد. لذا قوه قضاییه باید به بررسی و پیگیری گزارش‌های مردمی در جرائم منابع طبیعی به‌منظور تحقق عملی به منویات مقام معظم رهبری در استناد به اصل 45 قانون اساسی برای صیانت و حمایت از اراضی ملّی کشور، بپردازد.

باید افزود،احراز صلاحیت این سازمان‌ها وفق تبصره 3 ماده 66 قانون فوق باید به تأیید مراجع صالح برسد به‌این‌ترتیب که اسامی سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌ی حمایت از منابع طبیعی در سه‌ماهه‌ ابتدای هرسال توسط وزیر دادگستری و همکاری وزیر کشور تهیه و درنهایت به تصویب رئیس قوه قضاییه می‌رسد. مضافاً بر اساس آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب 29 خرداد 1384 هیأت وزیران، به سازمان‌های غیردولتی اجازه فعالیت در موضوع مناسب را داده‌است و جهت دادخواهی براساس اصل 50 قانون اساسی و ماده 16 این آیین‌نامه در مراجع قضایی و شبه‌قضایی می‌توانند در جهت حفظ منافع عمومی اقدام نمایند.

در خصوص این موضوع برخی معتقدند که وجود برخی نواقص و ابهامات در قوانین فعلی و برخی خلاء‌های قانونی سبب گردیده حمایت‌های قانونگذار از اراضی ملّی فاقد آثار پیشگیرانه و حتی در مواردی مشوق افراد در تصرّف غیرقانونی اراضی ملّی نیز باشد (عباسی، 1395، ص6). از سوی دیگر سیاست جنایی ایران در مورد منابع طبیعی در جلب مشارکت مردمی و جامعه‌ی مدنی با نوعی ناتوانی، ابهام، خلاء و شکاف جدی روبرو گردیده و درنتیجه زمینه‌ساز ظهور بحرانی گسترده در عرصه محیط‌زیست و منابع طبیعی شده است. درنتیجه می‌توان گفت که سیاست جنایی ایران در خصوص جرائم منابع طبیعی دچار نوعی تعارض و تضاد شده است. تعارضی که منجر به اختلال و ناکارآمدی سیاست جنایی شده و تحرک و پویایی آن را متوقف و دچار تزلزل و رکود نموده است؛ تا آنجا که شاهد بروز پدیده بحران منابع طبیعی هستیم. تعدد و کثرت قوانین و ضعف تخصص و تخصص گرایی در قانونگذاری دو مورد از جلوه‌های مهم این تعارض در سیاست جنایی محسوب می‌شوند(اکبرآبادی، 1396، ص 101). به نظر می‌رسد این مهم نیازمند باز‌نگری کلی در قوانین موضوعه داشته باشد و قوانین پیشگیرانه‌ای وضع شود تا مانع اقدامات بزهکارانه در این حوزه شود.

**نتیجه‌گیری و پیشنهادها**

یکی از مباحث چالشی در حوزه سیاست جنایی قضایی، حمایت و حفاظت قضایی از منابع طبیعی است. حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ملّی مستلزم همکاری مردم با سازمان‌ها و قوه قضاییه می‌باشد. لذا برای اعمال سیاست جنایی کارآمد از سوی محاکم قضایی و غیرقضایی حمایت نهادهای پیشگیرانه از جرائم و حمایت قانونگذار با تصویب قوانین کارآمد و بازدارنده لازم است.

در اجرای فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری مبنی بر لزوم مبارزه با مفاسد اقتصادی، کمیسیون اصل نودم قانون اساسی با تشکیل کارگروه مبارزه با مفاسد اقتصادی، اقدام به جمع‌آوری و طبقه‌بندی پرونده‌های مهم مشمول فرمان مقام معظم رهبری به‌منظور برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی نمود. امّا این فرمان هشت ماده‌ای از سوی مسئولان به‌صورت جدی مورد اهتمام قرار نگرفته است.

در جمهوری اسلامی ایران براساس اصل 50 قانون اساسی حفاظت از محیط‌زیست ازجمله منابع طبیعی وظیفه‌ای عمومی و همگانی است و فعالیت ضد منابع طبیعی ممنوع می‌باشد، با توجه به این اصل باید مقدمه مشارکت فعالانه جامعه در جهت فرهنگ‌سازی حفظ و حمایت از منابع طبیعی آموزش داده شود. باید افزود، درزمینه‌ی بزه‌کاری در منابع طبیعی قوه‌قضاییه باسیاست قضایی خود باید درصدد ایجاد یک فرهنگ‌سازی مناسب در جامعه برآید، مثلاً درجاهای که قطع بی‌رویه درختان شکل می‌گیرد از طریق فرهنگ آموزش به جامعه که این کار در آموزه‌های دینی و قانون نهی شده‌است و با کمک رسانه‌های جمعی این امر نهادینه شود. در برخی از مناطق قطع درختان یا تصرّف اراضی ناشی از ناهنجاری اجتماعی و فرهنگی نمی‌باشد و ریشه‌ی آن فقر و کمبود امکانات است ازاین‌رو قوه قضاییه با کمک سایر نهاد‌های ذی‌ربط می‌تواند به‌تدریج درصدد رفع این مهم برآید به‌عنوان نمونه برای جلوگیری از قطع درخت به آن مناطق گازکشی شود. همچنین تبلیغ بر ارزش منابع طبیعی برای مردم نیز می‌تواند از ایجاد جرم پیشگیری نماید. ازاین‌رو تضعیف عوامل اجتماعی بسترساز بزه در عرصه منابع طبیعی می‌تواند از ارتکاب جرم بکاهد.

تخریب و تصرّف منابع طبیعی دارای ریشه‌های فرهنگی و اجتماعی بسیار نابسامانی می‌باشند که تدوین قوانین پیشگیرانه و مدونی در سطح ملی را می‌طلبد. لذا حذف این باور غلط با پیشگیری سیاستی قوه قضاییه در اجتماعی و جامعه هدف مانند روستا‌ها با آموزش قوانین در حوزه منابع ملّی و طبیعی امکان‌پذیر است در این صورت حجم وردی پروند‌ه‌های این دعاوی تا حدی چشم‌گیری کاهش خواهد یافت.

به‌این‌ترتیب، با توجه به مدل پیشگیری فرد مدار از ابتدای کودکی نحوه‌ی برخورد با منابع طبیعی و محیط‌زیست توسط مدارس، مساجد و نهاد‌های متولی مانند صداوسیما، قوه قضاییه و خانواده و نظایر این‌ها به کودک آموزش داده می‌شود و احتمال انگیزه‌ی بزه و جرم در وی کاهش می‌یابد. بنابراین هر یک از این نهاد‌ها می‌توانند با آموزش‌های لازم در عرصه‌ی حمایت از منابع طبیعی مانند عدم قطع درختان و کشت نهال و مانند این موارد خود گام‌های مؤثری برای پیشگیری از آسیب‌ها در این حوزه بردارند.

در عرصه منابع طبیعی در مناطق حساس با دستور قضایی حصارکشی دور محوطه‌ی حفاظت‌شده انجام شود یا با دستور دادستان، افزایش نیروی یگان‌حفاظت از عرصه‌های طبیعی حمایت جدی‌تر شود تا از تخریب و تصرّف اراضی ملّی و قطع درختان و چرای در مراتع جلوگیری نمایند. به‌عنوان نمونه مطرح شد، امّا چنین شرایطی می‌تواند معادلات مجرم را به‌هم‌ریخته و اجرای تخریب و تصرّف در منابع طبیعی را مشکل‌تر و پرهزینه‌تر کند، لذا اقدامات پیشگیرانه وضعی موجب انصراف مجرمان از روی آوردن به جرم و انقطاع مراحل جرم در منابع طبیعی می‌گردد. باید افزود، قوه‌قضاییه در راستای وظایف پیشگیرانه‌ی خود با سایر دستگاه‌های متولی امر حمایت و حفاظت از منابع طبیعی می‌تواند با راهکارهای علمی و تخصصی درصدد پیشگیری وضعی با افزایش خطر، حذف بهانه‌ها، کاهش تحریک، کاهش منافع برآید.

با گسترش جمعیت یگان‌حفاظت و آموزش‌های تخصصی و علمی آن‌ها دستگاه قضا می‌تواند در جهت مهار و کنترل بزه در حمایت از منابع طبیعی برآید. به‌این‌ترتیب، قوه قضاییه مکلف به تربیت نیروی ضابطین دادگستری متخصص شده‌است تا در راستای حمایت و حفاظت از منابع طبیعی و اراضی ملّی گام بردارند و دوشادوش دستگاه قضا انجام‌وظیفه نمایند تا زمینه‌ی اجرای درست سیاست‌های جنایی قضایی مهیا شود. ازاین‌رو به‌موجب بند «ب» ماده 3 قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ریاست و نظارت و حتی تعلیم ضابطین دادگستری از حیث وظایف محوله با دادستان می‌باشد.

از سوی دیگر سیاست جنایی ایران در مورد منابع طبیعی در جلب مشارکت مردمی و ایجاد سازمان‌های مردم‌نهاد با توجه به ماده 66 قانون آیین دادرسی کیفری با نوعی ناتوانی، ابهام، خلاء و شکاف جدی روبرو گردیده و درنتیجه زمینه‌ساز ظهور بحرانی گسترده در منابع طبیعی شده است. درنتیجه می‌توان گفت که سیاست جنایی قضایی ایران با هدایت جلب مشارکت مردمی و نهادینه کردن منافع منابع طبیعی و فرهنگ‌سازی در این راه احساس می‌شود.

پیشنهادها

پیشنهادها و راهکارهای لازم درزمینه‌ی پیشگیری اجتماعی و وضعی در جهت جهش تولید به‌اختصار بدین گونه است:

1. جلب مشارکت مردمی در جهت فرهنگ‌سازی و اشاعه‌ی رفتار درست در حوزه منابع طبیعی در جهت افزایش منابع طبیعی.
2. باید با تحلیل علل ارتکاب جرم توسط اشخاص در ایران، راهکار‌های پیشگیری از زمینه وقوع جرم را شناسایی کرد.
3. استفاده از حصارکشی‌های مناسب و علامات و تابلوهای مخصوص در حوزه منابع طبیعی.
4. افزایش ضابطین متخصص و آموزش‌دیده تحت تعلیمات دادستان.
5. افزایش تعامل و همکاری لازم بین دستگاه‌های دولتی و قوه قضاییه در اجرای بند 5 اصل 156.
6. سرعت بخشی به تصویب قانون جامع حفظ منابع طبیعی برای کاهش تخریب و تصرّف در منابع طبیعی و سوق دادن منابع طبیعی برای افزایش تولید محصولات کشاورزی و زراعی.
7. آموزش و فرهنگ‌سازی توسط معاونت اجتماعی پیشگیری از جرم و قضات متخصص از طریق رسانه‌های جمعی در جهت حفظ و حمایت از منابع طبیعی و زیست‌محیطی.

**منابع**

1. اسدی، الحسن‌بن یوسف‌بن علی المطهّر[علامه حلّی](1419ق)،تذکرة الفقهاء، قم: مؤسسة آل البیت الإحیاء التراث، الطبعة الاولی، جلد9.[17جلدی].
2. اکبرآبادی، بهزاد (1396). ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در برخورد با جرائم منابع طبیعی، تهران: انتشارات آوا، چاپ اول.[ تعداد صفحات 144].
3. باختر، سید احمد(1387)، مجموعه کامل قوانین و مقررّات موضوع اجرای ماده56قانون جنگل‌ها و مراتع، تهران: جنگل، جاودانه، چاپ دوم.[صفحات 336].
4. دهخدا، علی‌اکبر(1377)، لغت‌نامه، زير نظر محمد معين و سيد جعفر شهيدي، تهران، دانشگاه تهران، چاپ دوم، ج9.
5. شمس، احمد(1394)، نظام حقوقی اراضی ملّی شده، تهران: انتشارات نشر دادگستر، چاپ پنجم.[تعداد صفحات 192].
6. عباسی، روح‌الله (1395)، بررسی ناکارآمدی سیاست جنایی ایران در صیانت از اراضی ملّی، مقاله اولین همایش بین­المللی و مخاطرات طبیعی و بحران­های زیست‌محیطی ایران، راهکارها و چالش­ها، دوره1.[ صفحات 1 تا 16].
7. علی بیگی، جواد(1397)، بررسی نظام حقوقی بهره‌برداری از روستایی و عشایری از منابع‌طبیعی در ایران، فصلنامه‌ی انسان و محیط‌زیست، دوره 16، (شماره1)،[صفحات75-93].
8. عمید، حسن(1356)، فرهنگ فارسی عمید، ج اول، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ اول.
9. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
10. كليني رازي، أبي جعفر محمّد بن يعقوب بن إسحاق(1388 ق)، الأصول من الكافي، مع تعليقات علي أكبر الغفاري نهض بمشروعه الشيخ محمّد الآخوندي الجزء الأول، الطبعة الثالثة: دار الكتب الاسلامية مرتضى آخوندي، تهران-بازار سلطاني، جلد1.[8 جلدی].
11. کاتوزیان، ناصر(1375)، قواعد عمومی قراردادها، تهران: نشر بهنشر، چاپ دوم، جلد دوم.
12. کوشکی، غلامحسین (1388)، چالش‌های نظام کیفری ایران در حوزه جرائم زیست‌محیطی، فصلنامه اطلاع‌رسانی حقوقی، دوره‌ی جدید سال ششم، شماره 17 و 18، بهار و تابستان. [صفحات 87-104].
13. گلدوست جویباري، رجب (1393)، نقش دادستان در پیشگیري از وقوع جرم، مجله‌ تحقیقات حقوقی،دانشگاه شهید بهشتی، شماره 66، دوره 17، شماره 2.[صفحات 211-223].
14. معین، محمد(1372).فرهنگ فارسی معین، انتشارات امیرکبیر، چاپ هفتم، جلد1، 3.
15. مقيمي، محمدرضا و باياري، عبدالرضا(1389)، بسترهاي زمین‌خواري و روش‌های مقابله با آن، مجله کارآگاه، دوره دوم سال سوم، شماره 11، تابستان.[ صفحات109-128].
16. میرمحمد صادقی، حسین و رجبعلی، اسلام (1396). تحلیل جرم زمین‌خواری از منظر حقوق کیفري ایران، مجله حقوقی دادگستري، سال هشتاد و یکم، شماره نود و هفتم، بهار. [ صفحات 53-77].
17. نجفی توانا، علی(1394)، جرم‌شناسی، تهران: نشر آموزش و سنجش، چاپ هجدهم[تعداد صفحات 273].
18. نیازپور، امیرحسین(1391)، تکالیف جرم شناسانه‌ی دستگاه قضایی در پرتو قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجله حقوقی دادگستری، شماره 8، زمستان.[صفحات 194-222].
19. آراء وحدت رویه مستخرج از روزنامه‌رسمی کشور.
20. آیین‌نامه اجرایی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیاء اراضی در جمهوری اسلامی ایران مصوّب 31/2/1359 شورای انقلاب.
21. آیین‌نامه اجرایی تأسیس و فعالیت سازمان‌های غیردولتی مصوب 29 خرداد 1384 هیأت وزیران.
22. آیین‌نامه اجرایی قانون حفظ و حمایت از منابع‌طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوّب 16/12/1371.
23. آیین‌نامه اجرایی قانون ملی شدن جنگل‌ها مصوب 1342.
24. آیین‌نامه اجرایی ماده 2 قانون حفظ و حمایت از منابع‌طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوّب1371.
25. تصویب­نامه هیأت‌وزیران راجع ­به جنگل‌ها مصوب 1303.
26. قانون اصلاح تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب مصوب 1373.
27. قانون آیین دادرسی کیفری مصوب 1392.
28. قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران.
29. قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوّب 25/5/1346 و اصلاحات بعدازآن.
30. قانون حفظ و حمایت از منابع‌طبیعی و ذخایر جنگلی کشور مصوّب1371.
31. قانون ملّی‌شدن جنگل‌ها مصوّب 27/10/1341 مصوّب هیأت وزیران.
32. لایحه قانونی جنگل‌ها و مراتع کشور مصوب 1338.
33. لایحه‌جامع منابع‌طبیعی و آبخیزداری کشور در دست تصویب.
1. . رأی وحدت رویه شماره 681، تاریخ 22/8/ 1384، هیأت عمومی دیوان عالی کشور، در خصوص ماده یکم قانون ملّی شدن جنگل‌ها کشور مصوب 1341، منتشرشده در روزنامه‌رسمی کشور، یکشنبه 22 آبان 1384، ویژه‌نامه شماره17687، سال صفر. و همچنین منتشرشده در روز پنج آذر 1384، سال صفر، ویژه‌نامه شماره 17702. [↑](#footnote-ref-1)
2. . جنگل: زمین وسیعی است که از درخت­های انبوه و بسیار پوشیده باشد، در جنگل معمولاً درختان کوچک و بزرگ و تنومند به­طور نامنظم و همچنین علف­های خودرو فراوان‌اند(معين، 1372، ص 1246؛ عميد، 1356،ص 383، دهخدا، 1377، واژه جنگل). Jangala [↑](#footnote-ref-2)
3. . مرتع: به معنای چراگاه است (معين، 1372، ص 1246، دهخدا، 1377، واژه مرتع). Marta [↑](#footnote-ref-3)
4. . NGO [↑](#footnote-ref-4)